

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناختی اجمالی از اشعار

فروغی بسطامی و امام خمینی

تفاوت‌ها و تشابهات

بقلم: کنگدم مرادحانی

اردیبهشت ماه ۹۲

مقدمه

این مقاله نگاهی اجمالی به ویژگی های اشعار دو شاعر نامی ایران، فروغی بسطامی (۱۲۱۳ - ۱۲۷۴ هجری خورشیدی) و حضرت امام خمینی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۸ هجری خورشیدی) دارد.

هدف از نگارش این مقاله پرداختن به تفاوت ها و تشابهات اشعار آن دو شاعر بزرگوار است که با نگاهی گذرا به زمان ؛ مکان و شیوه ی زندگی و اعتقادات هر دو شاعر به تفصیل سخن خواهیم گفت.

با اینکه مقالات زیادی را در رابطه با ویژه گی های اشعار امام خمینی (ره) مشاهده نموده ایم ؛ اما بنده موفق نشده ام تا مقاله ای از ویژگی های اشعار فروغی بیابم و نیز در قیاس اشعار این دو شاعر تا کنون مقاله ای منتشر نشده است. لذا تصمیم گرفتم خود به دست به کار شده و اقدام نمایم ، شاید به این بهانه گام کوتاهی در حیطه ی ادبیات این مرز و بوم برداشته باشم. با تشکر از اشخاصی که بنده را در شعر و ادب یاری می نمایند.

ویژگی های اشعار فروغی بسطامی

مضمون شعری

فروغی یکی از بهترین غزلسرایان قرن سیزدهم ، در سال ۱۲۱۳ در کر بلا دیده بر جهان گشود و از شاعران دوره ی قاجار بود. وی در زمان حیات خویش در دربار سه تن از شاهان دوره ی قاجار (فتحعلی شاه، محمدشاه، و ناصرالدین شاه) برای خویش آوازه ای مهیا نمود و می توان گفت یکی از شاعران درباری روزگار خود بوده است.

فروغی بسطامی در غزل از سعدی پیروی می کند. مضامین شعری او هر چند تکراری می باشد و در آثار او نیز مضمون بکر و تازه کمتر وجود دارد ولی با این وصف از لحاظ ساده گی و شیوایی کلام از بهترین شعرای عهد قاجار است ؛ سوز و گداز عرفانی که در اشعارش هست وی را مقامی داده و موجب شهرتش گشته است غزلیات او بیانگر روحیات صوفی منش و شیدایی اوست.

فروغی اصل خدا شناسی را در خود شناسی می بیند که به آن با صراحت تأکید کرده است و راه عشق را راهی پر بلا می دانند که باید جور دشمن را به دیده ی منت پذیرفت . او زندگی بدون عشق را وقت تلف کردن می داند:

۱- تا ترک جان نکردم آسوده دل نخفتم تاسیر خود نکردم نشناختم خدا را

۲- چون روبه دوست کردی سر کن به جور دشمن چون نام عشق بردی آماده شو بلارا

یا در غزلی دیگر میگوید:

۳- عمری که صرف عشق نگردد بطلالت است راهی که روبه دوست ندارد ضلالت است

میرزا عباس فروغی بسطامی به ایمان و اعتقاد خود در باره ی وجود و حقانیت خالق یکتا تأکید می کنند و خدا را حاضر همیشه ناظر می دانند که وجود خود را به هر نحوی به انسان اثبات می کند در هر چیز جلوه ای از خدا می بیند. غزل زیر یکی از معروف ترین غزلیات ایشان است:

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱- کی رفته ای زدل که تمنا کنم تورا | کی بوده ای نهفته که پیدا کنم تورا |
| ۲- غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور | پنهان نگشته ای که هویدا کنم تورا |
| ۳- با صد هزار جلوه برون آمدی که من | با صد هزار دیده تماشا کنم تورا |
| ۴- چشمم به صد مجاهده آینه ساز شد | تا من به یک مشاهده شیدا کنم تورا |
| ۵- بالای خود در آینه چشم من ببین | تا با خبر ز عالم بالا کنم تورا |
| ۶- مستانه کاش در حرم و دیر بگذری | تا قبله گاه مؤمن و ترسا کنم تورا |
| ۷- خواهم شبی تقاب ز رویت بر افکنم | خورشید کعبه، ماه کلیسا کنم تورا |
| ۸- گر افتد آن دوزلف چلیپا به چنگ من | چندین هزار سلسله در پا کنم تورا |
| ۹- طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند | یک جا فدای قامت رعنا کنم تورا |
| ۱۰- زیبا شود به کارگه عشق کار من | هر گه نظر به صورت زیبا کنم تورا |
| ۱۱- رسوای عالمی شدم از شور عاشقی | ترسم خدا نخواسته رسوا کنم تورا |
| ۱۲- با خیل غمزه گر به وثاقم گذر کنی | میر سپاه شاه صف آرا کنم تورا |
| ۱۳- جم دستگاه ناصر دین شاه تاجور | کز خدمتش سکندر و دارا کنم تورا |
| ۱۴- شعرت ز نام شاه، فروغی شرف گرفت | زیبید که تاج تارک شعرا کنم تورا |

زبان

زبان که از جایگاه برتری برخوردار است و میتوان از طریق آن به اندیشه های هر فردی پی برد و در شعر هم حرف اول را میزند باید قابل درک باشد و مخاطب را جذب خود نماید فروغی در این زمینه یکی از شاعران موفق بشمار می آید.

زبان شعری فروغی بسطامی با اینکه از شاعران کهن می باشد؛ اما بسیار ساده، شیوا و قابل درک است. وی توانسته است با بیانی ساده

شناختی اجمالی از اشعار فروغی بسطامی و امام خمینی (تفاوت ها و تشابه ها) به قلم : گندم مرادفانی

مخاطب را جذب سروده هایش کند.

نگاه فروغی به حکومت

مدح گفتن از بزرگان دوران در کارنامه ی بسیاری از شعرا دیده می شود که فروغی نیز از این قافله عقب نمانده و در برخی از اشعارش شاهان زمان خود را ستوده و در وصفشان بیت ها سروده است . فروغی به زیبایی از اندیشه های خود بهره مند شده و آنها را در غزل به نمایش گذاشته است.

وی در ابیات ذیل اوج رضایت خود را از دستگاه حکومتی می رساند و از سخاوت مندی ناصرالدین شاه سخن می راند و حتی آفتاب و ماه را غرق الطاف شاه می داند و از نیکی هایش یاد می کند این ابیات نشانگر ارادت خاص شاعر به سلطان وقت است:

۱- شاه سریر تمکین بخشنده ناصرالدین کز دست او نمانده است گوهر به هیچ کانی

۲- غرق مهر شاه دیدم آفتاب و ماه را دوست دارند این دو کوکب ناصرالدین شاه را

عرفان

عهد میان انسان و باری تعالی نیز یکی از ابعاد عرفانی و معنوی شاعران است که گاه در سروده هایشان تجلی می کند. فروغی نیز از این مضمون مشتقی نبوده و به گفت و گوی خالق و مخلوق اشاره می نماید و اینکه حال روحانیش تازگی ندارد بلکه از عالم الست اینگونه بوده است:

۱- کنون نه مست نگاه تو گشتم ای ساقی که هست مستی این باده از الست مرا

وی به شدت تحت تأثیر حکایت منصور و ادعای اوست به گونه ای که ماجرای منصور و نالحق نیز در اکثریت اشعار مشاهده می شود و پیامهایی از حق و باطل دارد.

او با قبول و درک عمیق به مساله ی عاشق و معشوق و بیان این نکته که معشوق را بایست از نگاه عاشق دید و حس عمیق از عشاق افسانه ای و داستان هایی در رابطه با پیامبران ، با هنرمندی بدان ها پرداخته و می گوید:

شناختی اجمالی از اشعار فروغی بسطامی و امام خمینی (تفاوت ها و تشابه ها) به قلم : گندم مرادفانی

۱- سر حق را بر سر دار فنا کرد آشکار در طلب منصور الحق همت مردانه کرد

۲- کمال حسن وی از چشم من تماشاکن ببین ز دیده ی و امق جمال عذرا را

۳- گرسوی مصر بر دمی خون زلیخا خوردمی زندان یوسف کردمی چاه زنخدان تو را

۴- داستان یوسف گم گشته دانستم که چیست یوسف دل پا در آن چاه زنخدان شد مرا

۵- جانم آمد به لب از حسرت شیرین دهنی که در احیای دل مرده دم عیسی داشت

عشق و احساس

نکته دیگر در اصل شعر شاعرانگی سروده می باشد که گویای عواطف و احساسات شاعر باشد و خواننده را تحت تأثیر قرار دهد و بر ظرافت و لطافت شعر بیافزاید؛ نیز استفاده ی بجا و هنرمندانه از تشبیهات و استعاره ها و... که اوج قدرت شاعر را می رساند. اینها همه در تمام سروده های فروغی قابل مشاهده است:

۱- دوش به خواب دیده ام روی ندیده ی تو را وز مژه آب داده ام باغ ندیده ی تو را

۲- تاصورت زیبای تو از پرده عیان شد یکباره پری از نظر خلق عیان شد

۳- مگر به یاد لب ت باده می دهد ساقی که خاک میکده خوشتر ز آب حیوان است

۴- به یاد شمع رخت آهی از دلم سرزد که در دل شب تاریک روشنایی داد

فروغی در این میان از مذهب تشیع نیز غافل نبوده و در اشعاری که از مولای متقیان سروده به شیعه بودنش مهر تأیید میزند. او بسیار زیبا در وصف حضرت مولا علیه السلام می سراید و همچنان می بینیم که در غیبت منجی عالم بشریت حضرت موعود (عج) یکی از عاشقان

شناختی اجمالی از اشعار فروغی بسطامی و امام خمینی (تفاوت ها و تشابه ها) به قلم : گندم مرادفانی

و منتظران ظهور می باشد که بسیار از ایشان در اشعارشان یاد نموده اند:

۱- عید مولود علی راتاشه والا گرفت عقل کل گفتا که کار دین حق بالا گرفت

۲- جان اگر مولا بخواهد لا نمی باید گفت آهن خود گرم باید دادواین حلوا گرفت

۳- کوجوانی که زسودای غمت پیر نشد کو وجودی که زجان در طلبت سیر نشد

۴- تاکنون صورتی از پرده نیامد بیرون که زمعنی رخس صورت تصویر نشد

۵- من از آن روز که بیچاره ی عشق تو شدم چاره ی کار من از ناله شب گیر نشد

ویژگی های اشعار امام خمینی

امام خمینی ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی در شهرستان خمین از توابع استان مرکزی ایران در خانواده ی اهل علم دیده برجهان گشود.

ایشان وارث آبا و اجدادی بود که نسل در نسل در کار هدایت مردم و کسب معارف الهی کوشیده اند.

وی ۵ ماهه بودند که پدر بزرگوارشان به دست طاغوتیان وقت به درجه ی شهادت نائل گشتند و از همان کودکی در رنج و مشقت به سر می بردند ۱۵ ساله بودند که از داشتن مادر نیز محروم شدند.

او یکی از شاعران معاصر بود شاعری بزرگ، مردی آزاد اندیش که سالهای سختی را در زمان حکومت رضا شاه سپری نمودند و با عشقی که به ایران و ملت ایران داشتند سعی نمودند آزادی را به این مرزوبوم برگردانند تا دست بیگانگان کوتاه گردد و بستری برای رشد علمی و فرهنگی ایران گشودند.

امام بیشتر به مضمون های عاشقانه ی معنوی و عارفانه در بیان اندیشه هایشان پرداخته اند.

عشق بیانگر احساس عمیق هر فرد است و اشعار ایشان بیش از آن که در میان عارفانه ها جای گیرد در جمع عاشقانه ها قرار دارد که خواسته اند با زبان عشق از عرفان سخن بگویند که اصلی ترین بُعد عرفان عشق است ایشان در سروده هایشان از زبان کهن پیروی می کنند و بیانی ساده صمیمی و شیوا دارند. ایشان بیشتر تحت تأثیر اشعار حافظ بوده اند و وی را الگوی ادبی خود قرار داده اند که این را به عینه در سروده هایشان مشاهده می کنیم.

۱- الایا ایها الساقی زمی پر ساز جامم را
که از جانم فروریزد هوای ننگ و نامم را

مضمون عشق و عارفان

۱- جز عشق تو هیچ نیست اندر دل ما
عشق تو سرشته گشته اندر گل ما

۲- ما زاده ی عشقیم و پسر خوانده ی جامیم
در مستی و جانبازی دلداری تمامیم

و همچنین استفاده از واژگانی چون می ، میخانه ، ساقی ، خم و... در بیان حالت عرفانی خود دریغ ننموده اند با اینکه واژگانی تکراری هستند اما باز تأثیرات اشعار حافظ را به وفور مشاهده می کنیم:

۱- اکنون که در میکده بسته است به رویم
بهرتر که غم خویش به خمار بگویم

۲- ساقی به روی من در می خانه باز کن از درس و بحث و زهد و ریای بی نیاز کن

۳- لبریز کن از آن می صافی سبوی من دل از صفا بسوی بت ترکتاز کن

شعر زیر از معروفترین غزلیات حضرت امام محسوب می شود:

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱- من به خال لب ت ای دوست گرفتار شدم | چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم |
| ۲- فارغ از خود شدم و کوس انالحق بزدم | همچو منصور خریدار سر دار شدم |
| ۳- غم دلدار فکنده است به جانم، شری | که به جان آدمم و شهره بازار شدم |
| ۴- در میخانه گشایید به رویم، شب و روز | که من از مسجد و از مدرسه، بیزار شدم |
| ۵- جامه زهد و ریای گندم و بر تن کردم | خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم |
| ۶- واعظ شهر که از پند خود آزارم داد | از دم رند می آلوده مددکار شدم |
| ۷- بگذارید که از بتکده یادی بکنم | من که با دست بت میکده، بیدار شدم |

احادیث و آیات قرآنی در اشعار امام

از ویژگی های دیگر اشعار امام متأثر بودن از احادیث و آیات الهی می باشد که باز به روایات عرفانی ایشان بازمی گردد مانند بسیاری از شاعران نامی و عارف، ایشان هم از این مضامین بسیار استفاده نموده اند و در ابیاتی اشاره به جایگاه ویژه ی انسان دارند و ارزش های انسانی که باید در حفظ آن کوشا بود.

۱- زاده اسماء را با جنه الماوی چه کاری در چم فردوس می ماندم اگر شیطان نبود

۲- گر تو آدمزاده هستی علم الاسما چه شد قاب قوسینت کجا رفته است و او ادنی چه شد

در سروده های ایشان نیز همانند دیگر شاعران عارف اشاره به روز الست و عهد ازلی خالق با مخلوق مشاهده می شود که با گنجاندن داستان های قرآنی همچون موسی و طور سینا و... درس بزرگی برای خداشناسی در مسیر کمال آدمی به مخاطب می دهد.

۱- عشق جانان ریشه دارد در دل از روز الست عشق را انجام نبود چون ورا آغاز نیست

۲- طور سینا را بگو: ایام "صبعق" آخر رسید موسی حق دربی فرعون باطل آمده

۳- دلبر مشکل گشا از بام چرخ چارمین با دم عیسی برای حل مشکل آمده

حضرت روح الله (ره) از هیچ مضمونی غفلت ننموده و از اعیاد نیز غزلیاتی دارند با اینکه خود یک شخصیت سیاسی بوده اند و مشغله های فراوانی داشته اند اما ایشان بر همه چیز اهمیت می دادند و دین و سیاست و مردم داری و اخلاقیات و... را از هم متمایز می نمودند و بر سنت ها پایبند بودند.

ایشان شخصیتی چند بُعدی داشته اند که سروده هایشان گواه این مدعاست . همچنان یکی از منتظران حقیقی امام عصر (عج) بوده اند و ابراز وفاداری و ارادتشان در غزلیاتشان بسیار قابل توجه می باشد:

۱- باد نوروز وزید از به کوه و صحرا جامه عید پیوشی چه شاه و چه گدا

۲- یادبهار مرده ی دیدار یار داد شاید که جان به مقدم باد بهار داد

۳- کاروان عشق رویش صف به صف در انتظارند با که گویم آخر آن معشوق جان پرور نیامد

امام دارای اعتقاداتی عمیق و راسخ بوده اند که همین موضوع ایشان را در جمع عرفا قرار داده و وی را انسانی وارسته و به دور از قید و بند دنیا، درگیر حقیقت خود شناسی و راز آفرینش نموده است. ایشان همه چیز را در عشق به خالق می بینند و لاغیر:

۱- خواست شیطان بد کند با من ولی احسان نمود از بهشتم برد بیرون بسته ی جانان نمود

۲- خواست از فردوس بیرونم کند خوادم کند عشق پیداگشت و از ملک و ملک پران نمود

یکی دیگر از فنون شعر دارا بودن موسیقی درونی و واج آرایبی آن می باشد که شعر را آهنگین و گوش نواز می کند.

شناختی اجمالی از اشعار فروغی بسطامی و امام خمینی (تفاوت ها و تشابه ها) به قلم : گندم مرادفانی

اشعار امام دارای موسیقی معنوی هستند که همین امر زیبایی اشعارشان را چند برابر می نماید و شعر را شیواتر می کند.

در پایان به رحلت امام این بزرگ مرد تاریخ و بنیانگذار انقلاب اسلامی می پردازم.

گویا ایشان خود مطلع از این مسئله بوده اند که خود بیانگر اوج عرفان و حقیقت بینی و حق جویی حضرت است. اینکه به چه درجاتی نائل گشته اند و چگونه از آینده و حیات خویش خبر داشته و از زمان وصال حق تا چه حد آگاهی داشتند؛ بطوری که در بیتی بدان اشاره فرموده و می نویسند:

۱- سالها میگذرد حادثه ها می آید انتظار فرج از نیمه ی خرداد کشم

شباهت ها و تفاوت های غزلیات فروغی بسطامی و امام خمینی (ره)

حال به جمع بندی مباحث ارائه شده می پردازم و از این دو شاعر بزرگ و نامی کشور که در شعر و ادب از جایگاه ویژه ای برخوردارند مبحثی ارائه میدهم.

نخست: شباهت ها

ابتدا به زبان و بیان این دو بزرگوار می پردازم:

هر دو دارای زبان و بیان مشابهی هستند که بسیار شیوا، ساده و صمیمی می باشد و به مضمون های مشابه پرداخته اند حتی در برخی ابیات تشابهات فاحشی را نظاره گر هستیم و مهمترین مسئله که این دو شاعر را به هم نزدیکتر می نماید روحیات صوفی منش و عرفانی آنهاست که موجب خلق آثاری عرفانی گشته است. الهام گرفتن از دنیای فانی، اشاره به داستان های قرآنی، استفاده نمودن از واژگانی چون: می؛ میخانه؛ بتکده و... .

اما سبک بیان، که آنها را در یک ردیف قرار می دهد.

هر دو غزلیاتی لطیف و شاعرانه دارند و دیدگاهشان در بسیاری از مسائل نزدیک به هم می باشد می توان غزلیاتشان را به دسته های: فلسفی؛ عرفانی؛ اجتماعی؛ سیاسی و... تقسیم نمود و همچنین عشق معنوی از منظر هر دو شاعر مهم ترین اصل بشمار می آید و

شناختی اجمالی از اشعار فروغی بسطامی و امام خمینی (تفاوت ها و تشابه ها) به قلم : گندم مرادفانی

خداشناسی و ارزش های انسانی در سروده هایشان خود نمایی می کند.

از دیگر ویژگی مشابه در اشعار و عقاید این دو شاعر موضوع غیبت امام عصر روحی له الفدا می باشد که به وضوح در ابیات عارفانه و عاشقانه هاشان مشهود است.

دوم: تفاوت ها

امام بیشتر از اشعار حافظ الهام گرفته اند و از لسان الغیب شیراز تبعیت نموده اند که این نیز بسیار واضح و روشن می باشد؛ اما فروغی از شیخ اجل سعدی تبعیت نموده اند و غزلیاتشان بیشتر دارای تشبیهات است.

غزلیات امام آهنگین تر و ساده تر می نماید؛

امام از قرآن و احادیث غافل نبوده اند و سروده هایشان بیشتر تحت تأثیر این دو مورد می باشد؛ اما فروغی به ستایش شاهان دوران خود می پردازد و رضایتش را از دستگاه حکومتی بدینگونه آشکار می سازد.

نتیجه گیری

در پایان بررسی اشعار این دو شاعر نامی در می یابیم که هر کدام در چه زمان هایی و چه شرایطی می زیسته اند و نگاهشان از منظر یک شاعر و یک شخص فرهنگی در جامعه به مسائل مختلف و پیرامون آن چگونه بوده است .

دو شاعر که در زمان های جداگانه (به فاصله ی کمتر از ۲۰ سال) زندگی می کرده اند و در شرایط های غیر مشابه قرار داشته اند (دوره ی قاجار و دوره ی پهلوی) شاعری که رضایت کامل از حکومت دارد . یکی از شعرای درباری می باشد و شخص دوم کاملاً آزاده بوده و ضد حکومت وقت قیام نموده است و انقلاب و تحولی بر پا نموده و مردم را به آزاد اندیشی و علم و خداشناسی هدایت می نمود.

و حال اشعار به جامانده از این دو بزرگوار آموزه هایی در ابعاد مختلف برای آیندگان و مردمان پس از خود به یادگار گذاشته است که از آن درس های بزرگی میتوان آموخت.

گندم مرادفانی

۹۲/۰۲/۰۲